

دانشگاه کسبانی که
سرزها را شکست



بستاده مثل سرو

توگو با مدرس فنی و حرفه‌ای دارای معلولیت که این روزها کامپیوتر تدریس می‌کند



فیما اسکافی

روزشمار مناسب‌های مهم مرداد را که جست‌وجو می‌کردم، چشم به تاریخ ۶ مرداد و سالروز ترویج آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور افتاد. همین جرقه کافی بود تا نام «یحیی توکلی» در ذهنم زنده شود؛ فردی که با وجود آنکه سال‌هاست از آخرین ملاقاتم با او می‌گذرد، داستان زندگی‌اش بی‌هیچ اغراقی همچنان برایم شایسته تحسین و تأمل برانگیز است. یحیی توکلی از مدرسان موفق و متعهد کامپیوتر در مشهد است که در بیست‌ویکمین روز از مهر سال ۱۳۵۰ در شهرستان کاشمر متولد شد. او سال ۷۶ در رشته مدیریت دولتی در مقطع کاردانی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل می‌شود و در سال ۸۱

روزشمار مناسب‌های مهم مرداد را که جست‌وجو می‌کردم، چشم به تاریخ ۶ مرداد و سالروز ترویج آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور افتاد. همین جرقه کافی بود تا نام «یحیی توکلی» در ذهنم زنده شود؛ فردی که با وجود آنکه سال‌هاست از آخرین ملاقاتم با او می‌گذرد، داستان زندگی‌اش بی‌هیچ اغراقی همچنان برایم شایسته تحسین و تأمل برانگیز است. یحیی توکلی از مدرسان موفق و متعهد کامپیوتر در مشهد است که در بیست‌ویکمین روز از مهر سال ۱۳۵۰ در شهرستان کاشمر متولد شد. او سال ۷۶ در رشته مدیریت دولتی در مقطع کاردانی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل می‌شود و در سال ۸۱

خودم پله می‌ساختم اما حالا شرایط جسمی، روحی و اقتصادی یک جمع را در نظر می‌گیرم و افق دیدم در این سال‌ها گسترده‌تر شده است. این فعل حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ادامه می‌دهد: تمایل به نوشتن، پیش از معلولیت در من وجود داشت. گاهی کتاب‌هایی در زمینه اصول نگارش و دلسنن نویسی می‌خواندم یا در کارگاه‌های یک یا دوازده شرکت می‌کردم و مطالبی می‌نوشتیم اما پس از معلولیت در سال‌های ۸۵ تا ۸۶ همه آنچه آن زمین در حوزه کامپیوتر به شاگردانم آموزش داده بودم، بصورت جزوه در آوردم و چندسال بعد این جزوات در قالب یک کتاب به نام «مبانی تدوین و تدوین کامپیوتری» تنظیم شد که اولین اثر من بود. در زمینه رمان نویسی نیز بیشتر به دلیل تمایلات و سابقه مذهبی‌ای که با آن بزرگ شده بودم، به این مسیر روی آوردم و یک رمان دوجلدی به نام‌های «آغاز در بی‌نهایت» و «تنها تا نقطه صفر» را به رشته تحریر در آوردم. «آغاز در بی‌نهایت» داستان فردی است که بازتاب اعمال خیرخواهانه‌اش، در جهل آخرت به او باز می‌گردد و «تنها تا نقطه صفر» داستان فردی است که در زمین حیاتش از راه راست، منحرف شده است. کتاب دیگری نیز به نام «من و تون یابلن» تألیف کرده‌ام که به خاطرات من و دانش آموزانم در این سال‌ها مربوط می‌شود.

شاگردی داشتم که ناشنوا بود و من همیشه جواب سؤال‌اش را برایش می‌نوشتیم یا شاگرد دیگری داشتم که مشکل بینایی داشت و با رنگ مایوسی که در کلاس استفاده می‌کردم، مشکل داشت و من به‌خاطر او موبوس را تغییر دادم. همیشه سعی می‌کنم شرایط شاگردانم را بشناسم و با آن‌ها هم‌مزاد پنداری کنم. همچنین سعی می‌کنم به شاگردانم کمک کنم تا واقعیت خودشان را بپذیرند، زیرا اعتقاد دارم که پذیرفتن واقعیت به معنی طی کردن نیچی از راه است. همیشه در کلاس‌هایم از خودم مثل می‌زنم و می‌گویم بچه‌ها! ببینید شرایط من به گونه‌ای است که برای نشستن روی ویلچر، به بستن کمربند نیاز دارم و این نه عیب است و نه عار؛ زیرا خداوند مخلوقات متفاوتی دارد. سعی می‌کنم اخلاق و علم را در کنار هم به شاگردانم بیاموزم و برای آن‌ها گاهی مری، گاهی دوست و گاهی حسابرس باشم.

دو مسیر، یک انتخاب
در باره اولین روزهای پس از معلولیتش می‌گوید: بعد از ف عمل تادوسل، درگیر بیماری‌استن، فیزیوتراپی و زخم‌های ناشی از بیماری‌ام بودم اما به‌مرور، شرایط را پذیرفتم و فهم که زندگی‌ام پس از این با همین شکل و شمایل ادامه بدلاست. دوره پیش‌رو داشتم؛ یا باید به‌عنوان فردی افتاده و گوشه‌گیر به زندگی ادامه می‌دادم و در این صورت، یگران بودند که باید برای من و زندگی‌ام تصمیم می‌گرفتند. د به‌عنوان عضوی از جامعه در اجتماع حضور پیدا می‌کردم. ساز زندگی‌ام را در دست می‌گرفتم که من، مسیر دوم را لب کردم.
ضافه می‌کند: آذرسل ۸۲ با مؤسسه رعد در تهران آشنا شدم، آشنایی به نقطه عطفی در زندگی‌ام تبدیل شد، زیرا چندماه ز این آشنایی، زمانی که به‌دلیل شخصی و خانوادگی به‌همراه لدام تصمیم گرفتیم در مشهد ساکن شویم، به‌دلیل اطلاعات خوب و تجربه‌ای که پیش از معلولیت از انجام کارهایی مثل س و مونتاز فیلم و فتوشاپ داشتم، به‌عنوان مدرس به مؤسسه یابلن مشهد معرفی شدم و مسیری تازه پیش‌رویم قرار گرفت.

پیشنهادی برای تمامی معلولان
توکی در پایان بیان می‌کند: اگر زندگی باشما سازگاری ندارد، شما با زندگی سازگار شوید تا آن را به نحو مطلوب تغییر دهید. وقتی یک چوب به‌سمت شما در حال حرکت باشد و شما بخواهید جلوی حرکت آن را با دست سد کنید، بالاخره یک روز خسته خواهید شد و چوب دوباره به‌سمت شما حرکت خواهد کرد، پس بهتر است کنار چوب بنشینید و آهسته‌آهسته به آن ضربه بزنید تا از مسیرش خارج شود. اگر شما خانه‌نشینی را انتخاب کنید و در چرخه جامعه نباشید، همواره بار جامعه خواهد بود اما وقتی در چرخه جامعه قرار بگیرید، حتی اگر یک درصد کار مفید انجام دهید، تبدیل به بار جامعه خواهید شد.

اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و دلایل پرداختن به آن برای معلولان
او اضافه می‌کند: اگر بار علمی بچه‌های دارای معلولیت زیاد باشد، کار فرما تنها چیزی که نمی‌بیند، معلولیت آن‌هاست. یکی از دوستانم برایم تعریف می‌کرد که زمانی قرار بود برای کار به شرکتی برود و نمی‌توانست با ویلچرش از ورودی شرکت عبور کند. کارکنان شرکت وقتی این وضعیت را می‌بینند، به‌دلیل اینکه به اطلاعات علمی او نیاز داشته‌اند، در عرض ۱۰ دقیقه با آچار و پیچ‌گوشتی پار تیشن‌هایی را که مزاحم تردد او بود، از جادرمی‌آورند. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به معلولان کمک می‌کند تا جایگاه اصلی خودشان را در بازار کار به‌دست آورند و در صورتی که پشتکار لازم را به خرج دهند، در این بازار تثبیت می‌شوند.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
پلخ به سوالي درباره «ضرورت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اقشار مختلف» بیان می‌کند: معتقدم که آموزش‌های فنی و های در واقع چیزی شبیه یک مانور است که ذهن کارآموز را رویارویی با شرایط واقعی، آماده می‌کند. کشور نیاز داشت که کنار علم چیزی به نام تالش هم داشته باشیم و اگر در جایی کار می‌کنند، در جلی دیگر عمل وارد میدان شود.
ی در ادامه ضمن اشاره به خاطرات و تجربه‌های خود به‌عنوان س این حوزه در مواجهه با کارآموزان دارای معلولیت رمی‌کند: در تدریس عمومی، مدرس تنها یک یادوروش من دارد که با استفاده از آن، مطلب را آموزش می‌دهد اما در ن‌هایی من، بچه‌هایی با معلولیت‌های متفاوت هستند که من برلی هر یک از آن‌ها روش خلص خوشش را می‌طلبم؛ مثلا

مثل یک باغبان هستم
توکی می‌گوید: دستاوردی که پس از سال‌ها زندگی با معلولیت به من اضافه شد، این بود که مرا تبدیل به کسی شبیه به یک باغبان کرد. قبل از معلولیت، تنها خودم را می‌دیدم و تنها برای

